درس ۱۴

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) غلاطیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (غلاطیان ۱- ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی یك فرد مسیحی جهت ازدواج

مرور: دو نفری مرور کنید. اهداف مشترک زندگی: عاموس ۳: ۳.

۴	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۵: ۱- ۴۷

مقدمه: یوحنا ۵: ۱- ۴۷ ، عیسی مسیح را به عنوان کلمه توصیف می‌کند که پس از انجام معجزه‌ای در بیت‌صیدا، در یهودیه از سوی مردم طرد شد.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: یوحنا ۵: ۱- ٤٧ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۵: ۱۷- ۲۳، در مورد ادعاهای عیسی حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی ادعاهایی در مورد خود داشت که یهودیان متوجه آنها شده بودند.

الف) در یوحنا ۵: ۱۷- ۱۸، عیسی ادعا می‌کند که در ذات با خدای پدر برابر است. عیسی خدا را "پدر خود" خطاب می‌کرد. یهودیان بلافاصله متوجه این حقیقت شدند که عیسی مدعی است وجودی الهی به والاترین معنی کلمه می‌باشد. آنها متوجه شدند که عیسی ادعای برابری با خدای پدر را دارد. ادعای عیسی یا بدترین کفر ممکن بود و مجازات آن مرگ بود، و یا پرجلالترین حقیقتی بود که باید با ایمان پذیرفته می‌شد. خدای پدر و خدای پسر دارای یك طبیعت هستند. به همین دلیل عیسی ادعا کرد که از نظر ماهیت وجودی با خدا برابر است. به خاطر این ادعای عیسی بود که یهودیان در صدد کشتن او بودند.

نیز یهودیان عیسی را محکوم به شکستن روز سبت می‌کردند. یهودیان معتقد بودند که در روز سبت هیچ کس نباید کاری انجام دهد. عیسی به آنها گفت که اگر آنچه در مورد روز سبت می‌گویند حقیقت دارد، در آن صورت خدا نیز متهم به شکستن روز سبت است، زیرا خدا همواره در حال مراقبت از آفریده‌های خود و مشغول نجات جان مردم است. خدا هیچوقت کارش را متوقف نمی‌سازد. او پیوسته از آفریده‌های خود مراقبت می‌کند و مردم را نجات می‌دهد. به همین ترتیب، پسر نیز که نزدیکترین رابطه را با پدر دارد مانند او مشغول کار است. در آیه ۱۷، عیسی می‌فرماید: "پدر من تاکنون کار می‌کند و من نیز کار می‌کنم". مفهوم سخنان عیسی این است که یهودیان با متهم کردن عیسی به شکستن روز سبت، در واقع به خدا نیز چنین اتهامی می‌بندند، زیرا خدای پسر از نظر ماهیت وجودی با خدای پدر برابر است.

ب) در یوحنا ۵: ۱۹- ۲۲ عیسی ادعا می‌کند که او دست به همان کارهایی می‌زند که خدای پدر انجام می‌دهد، و از این جهت نیز با او برابر می‌باشد. عیسی می‌فرماید، "پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد مگر آنچه بیند که پدر به عمل آرد، زیرا که آنچه او می‌کند، پسر نیز می‌کند". عملی که با پدر آغاز می‌شود و پدر خاستگاه آن است، در پسر متجلی می‌گردد. پسر آنچه را که پدر به او نشان می‌دهد می‌بیند و با اعمال و گفتار خود، افکار خدا را بر مردم آشکار می‌سازد. پسر اراده پدر را می‌داند و آن را به اجرا درمی‌آورد. عیسی یهودیان را از این حقیقت مطمئن می‌سازد که او قدرت دارد اعمالی بس بزرگتر از صرفاً شفای یك شخص مفلوج انجام دهد. اگر آنها به خاطر آن کارهایی که عیسی تا به آن لحظه انجام داده بود متعجب بودند، چقدر بیشتر به خاطر اعمال بزرگتری که او انجام می‌داد در حیرت می‌افتادند. در اینجا دو عمل بزرگ مد نظر است: برخیزاندن مردگان و انجام داوری.
عیسی ادعا می‌کند: "همچنان که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند." عیسی نمی‌گوید صرفاً عاملی است در دستان خدا که خدا به‌توسط او مردگان را زنده می‌کند، نظیر وضعیت انبیایی چون ایلیا و الیشع که خدا از آنها برای زنده کردن مردگان استفاده کرد. بلکه او ادعا دارد که نه تنها می‌تواند زندگی اخلاقی انسانها را بر روی زمین احیا کند، بلکه حتی قدرت دارد مردگان را از مرگ برخیزاند. عیسی ادعا می‌کند که همانند پدر این قدرت را دارد که به انسانهایی که از لحاظ روحانی مرده‌اند حیاتی روحانی عطا کند و بهنگام قیامت مردگان در آینده، قادر است به بدنهای مرده بشر، حیاتی غیرفانی عطا کند.
عیسی ادعا می‌کند: "پدر هیچ کس را داوری نمی‌کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است". در طول دوران عهد عتیق، خدا به عنوان "داور جهان" شناخته شده است (پیدایش ۱۸: ۲۵). داوری او به طور مداوم در زندگی مردم و ملل مختلف اِعمال می‌شد. هنگامی که آخر زمان فرا رسد، یك داوری نهایی وجود خواهد داشت. عیسی همچنین ادعا می‌کند که قدرت اِعمال داوری نهایی نیز در اختیار اوست. در واقع او می‌گوید که خدای پدر کار داوری را یکسره به دست او سپرده است. خدا به این دلیل کار داوری را به دست پسر سپرده است تا همگان همانطور که پدر را حرمت می‌دارند، پسر را نیز حرمت نهند.

پ) در آیه ۲۳ عیسی ادعا می‌کند که از نظر حرمتی که خدای پدر دارد نیز با او برابر است. او می‌فرماید: "تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنانکه پدر را حرمت می‌دارند. و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است". در فیلیپیان ۲: ۹- ۱۱ می‌خوانیم که پدر به پسر که تا به مرگ مطیع بود، به‌عنوان پاداش نامی بالاتر از جمیع نامها عطا کرده است؛ تا به نام عیسی هر زانویی خم شود و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است. این حرمت و احترام در اشعیا ۴۵: ۲۲ فقط و فقط از آن خداوند است. بنابراین وقتی عیسی مسیح حرمت گذاشته می‌شود، چیزی از جلال خدا کاسته نمی‌شود یا این جلال به کس دیگری واگذار نمی‌گردد. بلکه جلال او فزونی می‌یابد، زیرا عیسی مسیح تمام حرمت و احترام را برای "تمجید و جلال خدای پدر" دریافت می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱۱). هر وقت پسر بلند کرده می‌شود، پدر جلال می‌یابد. و هر وقت زانوان مردم در حضور عیسی مسیح خم می‌شود و آنان به زبانهای خود اعتراف می‌کنند که عیسی‌مسیح منجی و خداوندشان است، خدای پدر است که جلال می‌یابد.

کشف ۲) در یوحنا ۵: ۳۰- ۴۷ در رابطه با شهادت در باره عیسی مسیح حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در آیه ۳۱، عیسی می‌فرماید که شهادت او درمورد خود حتی اگر راست باشد، از دید یهودیان معتبر نیست. البته شهادت یك شخص درمورد خودش شهادت محسوب نمی‌شود. هیچ کس نمی‌تواند بر خودش شهادت دهد. اگر در پس ادعاهای عیسی اقتدار پدر وجود نمی‌داشت، هیچ کس موظف نبود ادعاهای او را بپذیرد. شهادت عیسی راست است، زیرا توسط شهادت خدای پدر تأیید شده است (یوحنا ۸: ۱۳- ۱۸). اگرچه شهادت عیسی راست است، یهودیان حقانیت و اعتبار آن را انکار می‌کنند. به همین دلیل است که عیسی توجه آنها را به پنج شهادت دیگر درمورد خود جلب می‌کند. یهودیان نمی‌توانند این شهادتها را در مورد عیسی نادیده بگیرند و فاقد اعتبار بپندارند.

الف) شهادت خودِ خدای پدر. در یوحنا ۵: ۱۹ ، ۳۰، عیسی می‌فرماید که پسر از خود هیچ نمی‌تواند بکند، بلکه از الگوی پدر پیروی می‌کند. وجه مشخصه رابطه ابدی که بین پدر و پسر وجود دارد این است که پسر اراده پدر را انجام می‌دهد، از طرف پدر سخن می‌گوید، مانند پدر داوری می‌کند و باعث خشنودی او می‌شود. و به همین خاطر نیز قادر است راحت و مطمئن، کار اثبات حقانیت خود را به خود خدا واگذار کند. بدین ترتیب پدر از پسر حمایت می‌کند و حقانیت او را آشکار می‌سازد.
در آیه ۳۲، عیسی از "شاهدی دیگر" سخن می‌گوید. بر اساس آیات ۳۶- ۳۷ می‌دانیم که این شاهد دیگر همانا خدای پدر است. خدای پدر پیوسته درمورد عیسی مسیح که پسر خداست، شهادت می‌دهد. خدای پدر به سه طریق بر خدای پسر شهادت می‌دهد: توسط نوشته‌های عهد عتیق، از طریق سخن گفتن مستقیم از آسمان در واقعه جسم پوشیدن خدای پسر، و بلاخره توسط اعمالی که

خدای پدر به خدای پسر سپرده است تا توسط او تحقق یابند. تمام شهادتهایی که در زیر می‌آید، جزئی از شهادت خدای پدر می‌باشند:

ب) شهادت یحیی تعمید دهنده. عیسی در یوحنا ۵: ۳۳- ۳۵، یحیی تعمید دهنده را به عنوان شاهد خود معرفی می‌کند. دعوت و وظیفه یحیی تعمید دهنده نشان می‌داد که او بر نور شهادت می‌دهد (یوحنا ۱: ۷). او به یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، شهادت داد که عیسی "آن نور حقیقی است که هر انسانی را منور می‌سازد". و او "خداوند موعود می‌باشد که یحیی تعمید دهنده راه او را مهیا می‌سازد" (مرقس ۱: ۳)، نیز او "بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد"، "او به روح‌القدس تعمید می‌دهد" و "پسر خداست" (یوحنا ۱: ۷، ۹، ۲۳، ۲۹، ۳۳، ۳۴). یحیی آن نور نبود، بلکه همچون چراغی بود که مردم را به سمت عیسی‌مسیح جذب و هدایت می‌کرد. یحیی وظیفه خود را به خوبی انجام داد. اینك "آن نور" خود در آنجا بود و شهادتی بس بزرگتر از شهادت یحیی به حقانیت او گواهی می‌داد.

پ) شهادت اعمال عیسی. عیسی در یوحنا ۵: ۳۶ در مورد کارهایی صحبت می‌کند که خدای پدر به او محول فرموده؛ کارهایی که بر او شهادت می‌دهند. کاری که خدای پدر به عیسی مسیح سپرده بود، این بود که خدای نادیدنی را آشکار سازد و به عنوان کفاره گناهان مردم، جان خود را فدا نماید تا بدین وسیله مردم را نجات داده، آنها را با خدا مصالحه دهد. تمام کارهای دیگر عیسی مانند موعظه، تعلیم و شفا، بخشی از همین کار بزرگ و اصلی او بود. معجزات او علاماتی بودند که به واقعی بودن وجود خدا و کار نجات‌بخش او گواهی می‌دادند. تمام این معجزات آشکارا ثابت می‌کرد که عیسی مسیح را خدای پدر فرستاده است، و هم او است که بر حقانیت عیسی مسیح مهر تأیید می‌زند.

ت) شهادت کتب مقدس. عیسی در یوحنا ۵: ۳۹- ۴۰، کتب عهد عتیق را به عنوان کتبی که بر او شهادت می‌دهند، معرفی می‌کند. او می‌فرماید که اگرچه یهودیان کلام خدا را در اختیار داشتند، اما آن را در قلب خود نگاه نداشتند. آنها با اینکه عهد عتیق را در اختیار داشتند، به آن ایمان نیاوردند و از احکام آن اطاعت نکردند. و با اینکه عهد عتیق به کرات در مورد مسیح موعود صحبت کرده بود، یهودیان در آن کتب متوجه عیسی‌مسیح نشدند و جهت دریافت حیات جاودانی نزد او نرفتند. عیسی در لوقا ۲۴: ۲۷ و ۴۴، به شاگردان خود در مورد آنچه در کتب عهد عتیق در مورد او پیشگویی شده بود، توضیح داد. و دوم تیموتاؤس ۳: ۱۵ نیز تعلیم می‌دهد که کتاب مقدس می‌تواند درمورد نجات به انسان آگاهی و حکمت دهد و این نجات تنها از طریق ایمان داشتن به عیسی مسیح حاصل می‌شود. معلمین یهودی به‌دفعات در کتب خود نوشته‌اند که مطالعه شریعت تنها راه نیل به حیات در عصر حاضر است. عهد جدید در رومیان ۱۰: ۴ بوضوح بر این حقیقت صحه می گذارد که این حیات تنها در عیسی مسیح یافت می‌شود که خود کامل‌کننده شریعت است. بنابراین هر که ایمان داشته باشد، عادل محسوب می‌گردد.

ث) شهادت موسی. عیسی در یوحنا ۵: ۴۵- ۴۷، موسی را به عنوان شاهد خود معرفی می‌کند. اگرچه یهودیان موسی را والاترین نبی خود می‌پنداشتند، اما عیسی می‌گوید که آنان به آنچه موسی نوشته بود، ایمان نیاوردند. موسی در تثنیه ۱۸: ۱۵ چنین نبوت کرده بود: "یهوه خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید". موسی خود نبوت کرده بود که حکم و دستور خدا این است که تمام مردم باید از مسیح موعود اطاعت کنند. اما یهودیان سخت‌دل درنیافتند که عیسی همان مسیح موعود است (آنها ندای خدا و جلوه الهی او را در عیسی ندیدند)، به همین جهت قلب خود را سخت ساخته، مسیح موعود را که پسر خدا بود نپذیرفتند و او را طرد کردند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۵: ۱- ٤٧ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.

بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۵: ۸). چرا مرد مفلوج بلافاصله شفا یافت؟

ملاحظات: يك شخص مفلوج قادر به حرکت و قدم زدن نیست. همچنین قادر نیست بایستد و چیزی بردارد. این مرد مفلوج از اینکه کسی نبود به او کمك کند، شاکی بود. عیسی به او گفت: "برخیز و بستر خود را برداشته، روانه شو." این جمله چالش بزرگی برای شخصی بود که کمی پیش به ناتوانی خود اعتراف کرده بود.

عیسی هیچوقت فرمانی را صادر نمی‌کند که قابل اجرا نباشد. بنابراین وقتی او سخن می‌گوید یا فرمانی می‌دهد، می‌خواهد مطابق گفته‌اش عمل شود. کلام او قدرتمند و مؤثر است. در این داستان، عیسی مایل است که مرد مفلوج بار دیگر راه برود. این شخص به کلام عیسی ایمان آورد. و برای اثبات ایمانش، از فرمان عیسی اطاعت کرد. او بلافاصله برخاست، بستر خود را برداشت و

روانه شد. شخص مفلوج در نتیجه سخن قدرتمند و مؤثر عیسی و ایمان آوردن به آن، شفا یافت. شفای او تدریجی نبود و اینطور نبود که تنها قسمتی از بدن او شفا پیدا کند، بلکه شفایی آنی و کامل بود. در این ماجرا نیز بار دیگر جلال عیسی آشکار می‌شود.

سؤال ۲) (یوحنا ۵: ۲۴- ۲۵). چگونه پسر خدا به مردگان حیات می‌بخشد؟

ملاحظات:

الف) کلام عیسی قدرتمند و حیات‌بخش است. در یوحنا ۵: ۲۴، عیسی مسیح، پسر خدا می‌فرماید: "آمین آمین به شما می‌گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است". عیسی مسیح توسط کلامش به انسانها حیات می‌بخشد. "کلام او" عبارت است از پیغام او خطاب به جهانیان. او کلام خود را با اقتدار پدرش بیان می‌کند. معجزه شفای مرد مفلوج، "علامتی" است از این حقیقت که خدا از طریق کلامش به مردم حیات روحانی عطا می‌کند. مرد مفلوج بواسطه کلام قدرتمند عیسی مسیح شفای جسمانی یافت. به همین ترتیب، مردم نیز تنها بوسیله کلام حیات‌بخش عیسی مسیح شفای روحانی را دریافت خواهند کرد.

ب) کلام عیسی باعث می‌شود روح‌القدس عمل کند. در یوحنا ۵: ۲۵، عیسی می‌فرماید: "آمین آمین به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می‌شنوند و هر که بشنود، زنده گردد". چگونه "مردگان" قادر به شنیدن خواهند بود؟ در حزقیال ۳۷: ۴، نبی خدا می‌فرماید: "ای استخوانهای خشك کلام خداوند را بشنوید." و روح خداوند بر آنها قرار گرفت و آنها زنده شدند. امروزه نیز همان روح خدا "افرادی را که از نظر روحانی مرده هستند"، قادر می‌سازد صدای خدا را بشنوند و از حیاتی تازه برخوردار گردند.

پ) کلام خدا تنها بر افرادی قرار می‌گیرد که او بر حسب اراده مطلق خود آنها را برگزیده است. کدامیك از انسانهایی که از نظر روحانی مرده‌اند، این صدا را می‌شنوند و زنده می‌شوند؟ در یوحنا ۵: ۲۱، مسیح می‌فرماید، او هر که را بخواهد زنده می‌کند. عیسی مسیح حیات جاودانی را به افرادی عطا می‌کند که آنها را از قبل بر حسب اراده مطلق خود انتخاب کرده است. روح‌القدس باعث می‌شود آنها صدای خدا را بشنوند و زندگی روحانی تازه و نوینی را از او دریافت کنند.

سؤال ۳) (یوحنا ۵: ۲۶). منظور از این عبارت که "پسر در خود حیات دارد" چیست ؟

ملاحظات: تنها خدای پدر به طور ذاتی از این حیات برخوردار است، زیرا تنها اوست که مولود و خلق نشده است. او بنا به ذات خود خدایی زنده است و به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نیست. عیسی می‌فرماید: "زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد". خدای پدر از ازل این حق و امتیاز مخصوص را به خدای پسر عطا کرده است که او در خود حیات داشته باشد. به همین دلیل است که او پسر یگانه نامیده می‌شود. عیسی مسیح یگانه مولود است، ولی موجودی مخلوق نیست. خدای پدر در زمان تجسم یا تعمید عیسی حیات ذاتی خود را به خدای پسر اعطا نکرد. بلکه این حیات عملی الهی و بخشی از رابطه ویژه‌ای است که از ازل بین پدر و پسر وجود داشته است. خدای پدر در چارچوب نظم و ترتیب ابدی چنین مقرر فرمود که پسر در خود حیات داشته باشد، و پسر نیز این حیات را بر مردم آشکار می‌سازد. در یوحنا ۱: ۲، خدای پسر به عنوان مجسم کننده حیات ابدی مکشوف گشته است که "با خدای پدر بود و بر ما آشکار گشت". مخلوقات بشری در خود این حیات را ندارند، زیرا مخلوق هستند. خالق آنها خدا، به آنها حیات می‌بخشد.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۵: ۱ - ٤٧ کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۵

- ۵: ۱- ۷ * بیت حسدا یعنی "خانه رحمت". ولی بیمارانی که آنجا بودند هر یك برای پریدن به داخل حوض و دریافت شفا چنان یکدیگر را هل می‌دادند که آن مکان بیشتر به جنگلی بی‌رحم می‌مانست. بنابراین اجازه ندهید خانه شما یا کلیسای شما تبدیل به مکانی بی‌رحم شود و در آن از رحمت خبری نباشد.
- ۵: ۸- ۱۰ * نحمیا در مقام فرماندار اجازه نمی‌داد تاجران در روز سبت برای خرید و فروش وارد اورشلیم شوند (نحمیا ۱۳: ۱۵- ۲۲). اما معلمین مذهبی یهود حکم چهارم از ده احکام را که در مورد حرمت نهادن به روز سبت بود، به قوانینی سخت و دست و پاگیر تبدیل کرده بودند نظیر اینکه نباید در چنین روزی هیچ گونه باری حمل کرد. عیسی در این مورد

هشدار داده گفت: "پس به تقلید خود (به خاطر رسوم و قوانین خود)، حکم خدا را باطل نموده‌اید"، زیرا چنین "عبادتی بیهوده می‌باشد" و چنین "تعالیمی، احکامی انسانی هستند" (متی ۱۵: ۱- ۹).

- ۵: ۲۳ * همانگونه که خدای پدر را حرمت می‌نهید، خدای پسر را نیز حرمت نهید. هر که مسیح را حرمت نهد، خدا را حرمت نهاده است (یوحنا ۵: ۲۳). هر که مسیح را می‌شناسد، خدا را می‌شناسد (یوحنا ۸: ۱۹). هر که به مسیح ایمان دارد، به خدا ایمان دارد (یوحنا ۱۲: ۴۴). هر که مسیح را قبول کند، خدا را قبول کرده است (یوحنا ۱۳: ۲۰). هر مسیح را دریافت کند، خدا را دریافت کرده است (متی ۱۰: ۴۰). هر که مسیح را حقیر شمارد، خدا را حقیر شمرده است (لوقا ۱۰: ۱۶). هر که مسیح را قبول نکند، نمی‌تواند به نزد خدای پدر برود (یوحنا ۱۴: ۶). هر که مسیح را دیده است، خدای پدر را دیده است (یوحنا ۱۴: ۹- ۱۰). هر که از احکام مسیح اطاعت کند، خدا را محبت می‌کند (یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳). هر که را پدر به عیسی‌مسیح عطا کند، به جانب او خواهد رفت و هرگز بیرون افکنده نخواهد شد (یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴؛ ۱۷: ۲، ۶، ۹). هر که مسیح را اقرار کند، خدا را اقرار می‌کند (اول یوحنا ۲: ۲۳).
- ۵: ۲۴ * پیغام انجیل را اعلام کنید. هر که کلام را بشنود و ایمان بیاورد، بلافاصله از حیات جاودان برخوردار می‌گردد و در داوری نهایی محکوم نخواهد شد، بلکه از مرگ به حیات منتقل خواهد گردید.
- ۵: ۲۸- ۲۹ * خود را برای بازگشت مسیح آماده سازید. در آن زمان تمام زندگان و مردگان صدای او را خواهند شنید و مردگان از قبرهای خود برخواهند خاست تا نجات یابند یا به مجازات ابدی برسند.
- ۵: ۳۱- ۴۷ * خود را تفتیش کنید و ببینید آیا براستی به عیسی مسیح ایمان دارید و شهادت خدای پدر را در مورد عیسی مسیح پذیرفته‌اید یا خیر.
- ۵: ۳۹ * کتاب‌مقدس را مطالعه کنید، زیرا بر عیسی مسیح شهادت می‌دهد. و درمورد دریافت نجات به شما حکمت می‌بخشد (۲ تیموتاؤس ۳: ۱۵).
- ۵: ۴۴ * چه چیزی برای‌تان بیشتر مهم است: اینکه خانواده، دوستان، و هم‌شهریان‌تان شما را تحسین کنند، یا اینکه از جانب خدا تحسین شوید؟

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) من می‌خواهم به سخنان عیسی ایمان بیاورم. وقتی عیسی به آن مرد مفلوج گفت: "برخیز، بسترت را بردار و روانه شو."، شاید چنین کاری از دید مردم غیرممکن به نظر می‌رسید، ولی در نظر خدا هیچ امری محال نیست. هنگامی که عیسی از طریق کلامش به من تعلیم می‌دهد، این بدان معنا است که او می‌خواهد من تعالیم او را در زندگی خود به کار ببندم. سخن او قدرتمند و مؤثر است. عیسی قادر است به آنچه می‌گوید عمل کند، و می‌خواهد که چنین نماید. بنابراین من می‌خواهم به سخنان او ایمان داشته باشم. من نیز مثل مرد مفلوج به ناتوانی خود اعتراف می‌کنم. و مانند او از سخنان عیسی اطاعت خواهم کرد.

ب) من می‌خواهم در اعتراف ایمان خود تاکید کنم که عیسی مسیح با خدا برابر است. هیچ کس نمی‌تواند طبیعت خدا را توصیف کند، چون هیچ کس از خدا بزرگتر نیست. فکر و سخنان خدا همچون اقیانوسی بزرگ است، اما فکر انسان تنها به به اندازه یك لیوان آب گنجایش دارد. بنابراین من گرچه قادر به درك طبیعت الهی خدا نیستم، ولی به آنچه او در کتاب‌مقدس در مورد خود آشکار کرده است، اعتراف خواهم کرد. اولاً: عیسی در متی ۲۸: ۱۹ می‌فرماید که مسیحیان "به نام "خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس تعمید می‌گیرند. خدا یك نام دارد، نه سه نام. خدا یك ذات دارد ولی خود را در تاریخ در قالب سه شخصیت آشکار کرده است. عیسی مسیح دومین "شخصیت" طبیعت الهی است که در عین اتحاد با دیگر شخصیتهای ذات الهی، از آنها متمایز است.
ثانیاً: در یوحنا ۵: ۲۶، خدای پدر چنین مقرر داشته است که خدای پسر <u>در خود حیات داشته باشد</u>. به عبارت دیگر، خدای پدر و خدای پسر از ازل دارای طبیعتی یکسان و مشترك بوده‌اند.

<u>قدم ۵: دعا کنید</u>
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۵: ۱- ٤٧ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۵ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از غلاطیان ۵- ۶ و افسسیان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (پرهیزگاری: اول تسالونیکیان ۴: ۳- ۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.